

با اعتراض یکپارچه کارگران نساجی،

جنبش کارگری یک گام کیفی

به جلو برداشته است

مراکز صنعتی و تولیدی در سراسر کشور، چندین سال است که با بحران و رکود روبرو هستند. تعطیل و توقف کارخانه ها، صدها هزارکارگر را به خیابان پرتاب کرده است. سرمایه‌داران و دولت حامی آنها، مدتهاست تحت عنوان "تعدیل نیروی کار" سازماندهی اخراج های دسته جمعی و بیکار سازی کارگران اند. صدها هزارکارگر که درحالت بلاتکلیفی نگاه داشته شده‌اند، نگران آینده شغلی خویش و در معرض بیکاری اند و ماههاست که هیچگونه دستمزدی به آنان پرداخت نشده است. این روند و اوضاع نا بسامان همچنان ادامه دارد. سرگردانی، بلاتکلیفی، بی‌آیندگی و تشدید بیش از پیش فشارهای اقتصادی و معیشتی، کاسه صبر کارگران را لبریزکرده است و اعتراض به این وضعیت به امر روزمره کارگران تبدیل شده است.

گرچه این یک پدیده عمومی است و تقریباً تمام بخش های تولیدی را در بر می‌گیرد، اما در صنایع نساجی و بافندگی با برجستگی بیشتری مشاهده می‌شود. دهها هزار تن از کارگران نساجی و بافندگی، در گیلان، مازندران، کاشان، اصفهان، کرمانشاه، خراسان، یزد، تهران و سایر شهرها و استانهای کشور بارها و بارها دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و خواستارحل معضلات موجود و رسیدگی به مشکلات خود شده اند، اما دولت و سرمایه داران، جز وعده و سرگردانی و گرسنگی، چیزی به کارگران نداده اند. خانه کارگر و سایر کارگزاران رژیم در محیط های کارگری، در ادامه سیاستهای همیشگی خود و برای به سازش کشاندن این مبارزات اعتراضی و انحراف آن، وعده معجزه در مجلس ششم، "مجلس اصلاحات" را می دادند. وقتی که دبیر کل خانه کارگر نیز وارد مجلس ارتجاع شد، تبلیغات اینها

پیرامون این مسئله، گوش عالم را پرکرد. آنان مرتباً موعظه می کردند که کارگران باید صبر و تحمل داشته باشند، نباید دست به مبارزه و راه پیمائی بزنند، نباید اعتراض کنند، نباید به خیابانها بریزند، نباید تظاهرات کنند و حقوق خود رامطالبه کنند، بلکه باید منتظر تصمیمات مجلس بمانند! کارگران اما کار خود را می کردند، وعده برای کارگران، نان و حقوق نمی شد. کارگران به تجربه دریافته بودند که نباید به این وعده ها اعتماد کنند و نکردند!

سرمایه داران (و مجلس آنها) نیز البته کار خود را می کردند. سرمایه داران و کار فرمایان، ضمن تشدید فشار بر کارگران و تداوم بازخریدهای اجباری، بیکار سازی و اخراج های دسته جمعی، در تلاش بودند تا این روند را به مهر قانون نیز حک کنند. وقتی که مجلس ارتجاع در سوم مهر لایحه پیشنهادی کابینه خاتمی را در مورد "تعدیل نیروی کار" در صنایع ایران، تحت عنوان لایحه "حمایت از بازسازی ونوسازی صنایع نساجی" تصویب نمود، معلوم شد که سرمایه داران، دولت و مجلس آنها بیکارننشسته اند. در این مصوبه، علاوه بر امکانات و تسهیلات مختلف و متعددی که برای سرمایه داران قائل شده اند، بر اساس بند "د" آن، به مدیران اجازه داده شده است، نیروی انسانی مازاد واحدهای صنعتی را به هر تعداد که تشخیص دادند، با تأیید کمیته ای مرکب از نمایندگان وزارتخانه های صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی، بازخرید و نیروی کار را "تعدیل" کنند!

بدین ترتیب، به بهانه "بازسازی و نوسازی صنایع"، مجلس ارتجاع به خواست کابینه خاتمی لیبیک گفت و دست سرمایه داران را بیش از پیش جهت اخراج صدها هزار کارگر به طور کامل باز گذاشت تا هیچ محدودیت و یامنع قانونی برسر راه اقدامات ضد کارگری سرمایه داران و پایمال کردن حق و حقوق کارگران وجود نداشته باشد.

در برابر این تعرض جدید سرمایه داران، کارگران البته ساکت ننشستند. ده ها هزار تن از کارگران صنعت نساجی که ماه ها حقوق نگرفته بودند و مدت زمانی طولانی، بلاتکلیفی و بی حقوق را تحمل کرده بودند به این امید که شاید دولت ولو در چارچوب منافع سرمایه داران، فکری به حال اشتغال کارگران بنماید و لاقول این امکان فراهم شود که کارگران نساجی و بافندگی که چندین سال متوالی و بخشا همه عمر خود را در این بخش به کار مشغول بوده اند، به کار خویش ادامه دهند و به نگرانی کارگران نسبت به آینده شغلی شان پایان داده شود، وقتی که شنیدند مجلس ارتجاع به پیشنهاد دار و دسته خاتمی بایک اقدام و مصوبه ضد کارگری، سند رسمی اخراج و بیکارسازی کارگران را، صادر نموده و به دست سرمایه داران داده است، خشمگینانه، علیه این بیدادگری بپاخاستند. در اصفهان بالغ بر ده هزار تن از کارگران واحدهای مختلف نساجی این استان، علیه

با اعتراض یکپارچه کارگران نساجی،

جنبش کارگری یک گام کیفی

به جلو برداشته است

این مصوبه و برای دستیابی به مطالبات و حقوق های عقب افتاده خود، دست به اعتراض و راهپیمائی زدند. اگر چه طبق معمول خانه کارگر تلاش نمود مبارزه اعتراضی کارگران را به اجازة وزارت کشور مشروط و این اعتراض را به چارچوبهای قانونی رژیم هدایت و آن را مهار و محدود کند، اما در عمل، بازم این کارگران بودند که ابتکار عمل را به دست گرفتند و به رغم آنکه وزارت کشور، به خانه کارگر در مورد اخذ مجوز قانونی پاسخ منفی داد و باتجمع و راه پیمائی کارگران مخالفت ورزید و به رغم آنکه خانه کارگر استان اصفهان نیز "با هدف آگاهی کارگران از عدم برپائی این راه پیمائی"، بیانیه ای صادر نمود، اما کارگران به این تلاش ها و ممنوعیت ها وقعی نگذاشتند و در صفوفی متحد و یکپارچه دست به اعتراض زدند و در خیابانهای اصفهان به راهپیمائی پرداختند. کارگران در جریان این راهپیمائی که شمار زیادی از جوانان و افشار زحمتکش مردم نیز به آنها پیوسته بودند، با سردادن شعارهایی علیه مجلس شورای اسلامی، وزارت صنایع، استاندار و نیروهای سرکوب، سرانجام در برابر استانداری تجمع کردند و خواستار لغو این مصوبه و رسیدگی به مطالبات خود شدند.

رژیم جمهوری اسلامی که از اتحاد و همبستگی کارگران شنیدید به وحشت افتاده بود، فوراً نیروهای امنیتی و نظامی خود را برای قلع و قمع کارگران به محل اعزام نمود و این نیروها با تیراندازی و شلیک گاز اشک آور، و با ضرب و شتم کارگران، سعی کردند کارگران را متفرق کنند. کارگران نیز در برابر این تعرضات دست به مقاومت زدند و در جریان تجمع و راه پیمائی اعتراضی خود، به ساختمان فرمانداری حمله بردند، یک کیوسک متعلق به نیروهای انتظامی و یک دستگاه موتور سیکلت متعلق به پلیس را به آتش کشیدند. وقتی که دبیرکل خانه کارگر پیرامون حق اعتصاب کارگران، در مجلس ارتجاع دست به التماس برداشته بود و در صدد امیدوار ساختن کارگران به اعجاز مجلس بود و از کارگران می خواست، خواسته هایشان را در مجلس و دولت "اخذ کنند"، تا ظهور کارگران در خیابانها منتهی و از آن جلوگیری شود، وقتی که خانه کارگر در مجلس مشغول چانه زنی و "سهم" خواهی بود تا کارگران از طریق کسب "اکثریت" حقوق خویش را احقاق کنند، خیابان های سرریز شده از کارگران معترض و اعتصابی که برای احقاق حقوق خویش مارش و رژه می رفتند، ناظر تیراندازی رژیم به روی کارگران و قلع و قمع آنان به دست دولت سرمایه داران بود.

گرچه در جریان اقدامات سرکوبگرانه رژیم، شمار زیادی از کارگران مجروح و شمار دیگری دستگیر شدند، اما دامنه وسیع این اعتراض

و یکپارچگی و اتحاد کارگران نساجی، به ویژه بیم سرایت امواج آن به سایر استانها و قبل از همه به تهران، رژیم و سران آن را سخت مضطرب و وحشت زده ساخت. "شورای امنیت" رژیم بلافاصله هرگونه تظاهرات و تجمع کارگری در خیابانهای اطراف و منتهی به مجلس را ممنوع اعلام کرد. با اینهمه علاوه بر آنکه ۱۴۷ واحد نساجی از سراسر کشور در نامه ای اعتراضی به مجلس نسبت به عواقب وخامت بار مصوبه "بازسازی و نو سازی صنایع نساجی" که بیش از پیش زمینه اخراج و بیکار سازی کارگران را فراهم ساخته است هشدار دادند، در تهران، بالغ بر شش هزارتن از کارگران صنایع نساجی، تجمع روز سه شنبه هفدهم مهرماه را که خانه کارگر به منظور قدردانی از وزیرکار سابق فراخوان داده بود، به یک تجمع اعتراضی علیه مصوبه مجلس ارتجاع تبدیل نموده، خواستار لغو آن، ضمانت شغلی و سایر مطالبات خود شدند. این در حالی بود که اعتراضات وسیع و یکپارچه کارگران صنعت نساجی در اصفهان و تهران، با اعتراضات و اعتصابات کارگری در کارخانجات نساجی و دیگر واحدهای تولید در سایر شهرها نیز همراهی می شد. به عنوان نمونه دو هزارتن از معدنچیان معدن طزره شرکت زغال سنگ البرز شرقی شاهرود در اعتراض به پائین بودن دستمزدها و عدم پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان دست به اعتصاب یک هفته ای و تجمع اعتراضی زدند.

گرچه هنوز از تأثیرات و نتایج مشخص اعتراضات اخیر کارگران خبری در دست نیست، اما صرف این مبارزه اعتراضی، گام دیگری به پیش و مبین بلوغ نسبی طبقه کارگر و رشد آگاهی طبقاتی کارگران است. مسئله این نیست که کارگران نساجی در برابر تعرض جدید سرمایه داران فوراً از خود عکس العمل نشان می دادند و علناً با تصمیمات سرمایه داران، دولت و مجلس آنها مخالفت می کردند، مسئله صرفاً این هم نیست که علی رغم عدم صدور مجوز قانونی و با وجود مخالفت وزارت کشور رژیم، کارگران به تظاهرات و راه پیمائی اعتراضی دست می زدند. مسئله حتی این هم نیست که کارگران در جریان مبارزه، حرف خانه کارگر و سایر عمال رژیم را نیز زیر می گرفتند و جنبه مستقلانه مبارزه اعتراضی خود را تغلیظ و تقویت می کردند، مسئله این بود که کارگران این بار در سطحی بسیار وسیع دست به مبارزه می زدند، و اعتراضات پراکنده و منفرد و محدود به یک یا دو کارخانه، به سطح اعتراض دسته جمعی و یکپارچه اغلب کارخانجات نساجی فراروئیده بود و در مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران، این یک تغییر کیفی و گام مهمی به پیش است. طبقه کارگر آرام آرام، اما سنجیده و استوار، برای احقاق حقوق خویش وارد صحنه شده است. مبارزه متحدانه و یکپارچه کارگران کارخانجات نساجی نشان داد که جنبش طبقاتی کارگران وارد مراحل پیشرفته تری شده است و می رود تا کل نظام را به چالش قطعی بطلبد!